

نقش زنان شاغل در خانواده

ناهدالسادات قائم مقام فراهانی*

مقدمه

امروزه در جوامع به‌ویژه جامعه اسلامی، یکی از مباحث چالش‌زا اشتغال و عدم اشتغال زنان است. برخی با اشتغال زن مخالف و معتقدند که وظیفه زن تنها تربیت فرزند است؛ اما عده‌ای بر این باورند که زن می‌تواند در عرصه‌های مختلف حضور یابد و رسالت اولیه‌ی او تربیت فرزند نیست. با نگاهی به آیات قرآن، می‌توان دریافت که اشتغال برای زنان منع نشده است. بسیاری از اطلاعات و دلالت‌های قرآن، نشان می‌دهد که زنان می‌توانند در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت داشته و با حفظ حدود اسلامی به کسب و کار پردازند. در روایات ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، اشتغال زن به‌طور کلی حرام نشده است؛ بلکه روایات بیش‌تر درباره‌ی نحوه حضور زن در اجتماع و کار و فعالیت او سخن گفته‌اند. البته آن‌چه در آموزه‌های دینی مورد توجه قرار گرفته، این است که وظیفه‌ی اصلی زن تربیت فرزند و خانه‌داری است.

این نوشتار می‌کوشد اشتغال زنان را از جنبه مثبت و منفی بررسی کند.

* دکتری فرهنگ و زبان‌های باستان.

(۱) رسالت اصلی زن

بر اساس برخی آیات (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ)^۱ مردان سرپرستان زنان‌اند. و روایات رسالت مرد، سرپرستی و تأمین نیازهای اقتصادی خانواده و رسالت زن، شوهرداری و تربیت فرزند است؛ اما متأسفانه - در عصر کنونی، زنان برای حضور فعال در جامعه گرایش به اشتغال بیرون از خانه دارند؛ یعنی می‌خواهند برخی از وظایف مرد را برعهده بگیرند. در صورتی که اشتغال مانع انجام رسالت و وظایف اصلی آنان می‌شود. به بیان دیگر، شغل در درجه اول و وظیفه اصلی، یعنی خانواده در درجه دوم قرار می‌گیرد و زنان به جای آن که مادر و همسری نمونه باشند، در پی آن هستند که کارمندی نمونه شوند و تنها پیش‌رفت در شغل را هدف اصلی زندگی خود قرار می‌دهند، نه تعالی خانواده را که با این عمل کرد خود موجب ایجاد پی‌آمدها و آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر خانواده می‌شوند.

(۲) اشتغال زنان از منظر قرآن و حدیث

زنان در عین تساوی با مردان در اصل آفرینش و گوهر انسانیت،^۲ در استعدادها و امکانات، وصول به بالاترین مراتب کمال و معنویت،^۳ می‌توانند استقلال مالی و اقتصادی داشته باشند؛^۴ چنان‌که در قرآن آمده است: «الرِّجَالُ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُمْ مِنَ النِّسَاءِ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُنَّ»^۵ مردان نصیبی از آنچه به دست

۱. نساء، آیه ۳۴.

۲. نساء، آیه ۱ و احزاب، آیه ۶.

۳. نمل، آیه ۹۷ و احزاب، آیه ۳۰.

۴. لیلا بختیاری، بررسی نقش اشتغال زنان در کاهش وظایف مادری (http://www.borhan.ir).

۵. نساء، آیه ۳۲.

می‌آورند دارند و زنان نیز نصیبی.»^۱ همچنین آمده است: «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛^۱ باکی بر شما نیست، در آن اموری که زنان در باره‌ی خود و از روی معروف انجام می‌دهند.»

اطلاق و عموم این آیه، شامل انتخاب شغل نیز می‌شود؛ یعنی اگر زنان بخواهند در زندگی خود به فعالیت‌های اقتصادی یا اجتماعی بپردازند، مانعی ندارد؛ به شرطی که براساس معروف، یعنی اصول عقلانی و انسانی و عرف جامعه باشد.^۲ زنان مسلمان در زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام در مشاغلی همچون تجارت، بافندگی، آرایش‌گری، پرستاری، چوپانی و... برای کار به فعالیت می‌پرداختند و به‌استثنای مشاغل فسادانگیز، هیچ مخالفتی با اشتغال آنان صورت نگرفته است؛^۳ هرچند توصیه یا تشویق خاصی نیز برای اشتغال زنان در متون دینی دیده نمی‌شود؛^۴ بنابراین اسلام اشتغال را برای زنان می‌پذیرد، با این تفاوت که آن را هدف نمی‌داند، بلکه در خدمت خانواده و رفاه و آسایش آن می‌پذیرد.^۵

۳) دست‌آوردهای اشتغال زنان

حقیقت این است که اشتغال زنان آثار مثبت دارد؛ به عبارت دیگر میان اشتغال و دست‌آوردهای آن برای زنان، رابطه‌ی دوسویه‌ای برقرار است؛ البته زمانی اشتغال

۱. بقره، آیه ۲۳۴.

۲. اعظم نوری، بررسی اشتغال زنان از دیدگاه اسلام، ص ۱۶.

۳. شیخ طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۲۸۷؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۵۱؛ ریاض عبدالله، معجم الکبیر، ج ۲۴، ص ۳۱۱ و ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۵۹۵.

۴. کاظم علی محمدی، آسیب‌شناسی و اشتغال زنان از نگاه اسلام و روان‌شناسی، (<http://tahzib.com>).

۵. ابوالقاسم بشیری، اشتغال زوجین و آثار و پوی‌آمدهای آن، ص ۹۰.

موجب بروز آثار مثبت می‌شود که زن از ساعات، نوع شغل، درآمد و... رضایت داشته باشد. به بیان دیگر میزان انطباق شغل با ویژگی‌های جسمی و روحی و چگونگی نگرش او به وضعیت شغلی، موجب می‌شود وی با عقل و تدبیر، فشار و مشکلات ناشی از کار را عاقلانه و با صبر و حوصله تحمل کند. آن‌گاه بتواند به انجام وظایف مادری و همسری اهتمام ویژه‌ای ورزد. چنین اشتغالی آثار مثبتی بر شخصیت زن، همسرمداری و مادری به شرح ذیل خواهد داشت:

۱. آثار مثبت بر شخصیت زن: پیش‌رفت مادی، رشد اجتماعی، دفاع از حق و حقوق خود،^۱ استفاده بهینه از اوقات فراغت و دورشدن از افسردگی، شکوفایی استعداد و ابراز وجود به صورت مثبت، پرورش شخصیت و رفع نیازهای روانی^۲ و افزایش عزت نفس.^۳

۲. آثار مثبت بر وظایف همسرمداری: زنان شاغل با کسب درآمد حاصل، بخشی از هزینه‌های اقتصادی خانواده را تأمین می‌کنند؛ به ویژه در زمان بروز مشکلات، به دلیل درک متقابل باری از دوش مرد برداشته می‌شود و از دغدغه‌های وی کم می‌کند.^۴

۳. آثار مثبت بر وظیفه مادری: به نظر برخی پژوهشگران، فرزندان که پدر و مادرشان هر دو شاغل‌اند، در مقایسه با فرزندان خانواده‌های سنتی، به نسبت مستقل‌تر و کاردان‌تر هستند.^۵

۱. کاظم علی محمدی، آسیب‌شناسی اشتغال زنان از نگاه اسلام و روان‌شناسی، (<http://www.borhan.ir>).

۲. بتول محتشمی، اشتغال زنان، بایدها و نبایدها، ص ۸۱.

۳. زهره خسروی، مبانی روان‌شناختی جنسیت، ص ۲۷۶.

۴. عبدالله بن مسعود، یکی از یاران پیامبر بود که در مشکلات مالی همسرش با انجام کارهای صنعتی و کسب درآمد یاری‌اش می‌رساند.

۵. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۵۷۵ - ۵۸۰.

۴) پیآمدهای اشتغال زنان

این پیآمدها که آسیب‌هایی را متوجه شخصیت زن، خانه‌داری و روابط همسری و مادری وی می‌نماید، در زندگی زنان شاغلی رخ می‌دهد که ساعات طولانی را به کار خود اختصاص داده و حتی نقش خانوادگی خود را در اولویت دوم قرار می‌دهند؛ به عبارتی می‌خواهند یک شاغل نمونه باشند تا مادر یا همسری نمونه. در چنین وضعیتی میان ویژگی‌هایی ذاتی زن (توجه به خانواده) و نقش آفرینی‌های مدرن (کار) تعارض به وجود می‌آید.

به گفته «گرین‌هاوس»، زنان سطوح بالایی از تعارض کار و خانواده را هنگامی که به شدت درگیر انجام کارهای خود (وظایف کاری و زندگی) هستند، تجربه می‌کنند. این تعارض‌ها موجب بروز آسیب‌هایی بر شخصیت خود زن، وظایف خانه‌داری، روابط همسری و وظایف مادری می‌شود.

الف) پیآمدهای منفی اشتغال بر شخصیت زن

نخستین کسی که از اشتغال زن متأثر می‌شود، خود اوست. با اشتغال وی، وابستگی او به خانواده از بین می‌رود و روابط عاطفی کم‌رنگ و پرتنش می‌شود.^۱ به عقیده «پرایس» شغل زنان شاغل، نه جای‌گزین نقش همسری یا مادری، که توأم با آن‌هاست. بار مضاعفی که زنان بر دوش می‌کشند، شاید دلیل اصلی آن چیزی باشد که وی آن را «نابودکننده تأثیرات مادری» می‌نامد که شامل فشارهای جسمی، فکری و عاطفی شدید است.^۲ به گفته «جان‌گری»، زن شاغل بیش از زن خانه‌دار در معرض استرس و آلودگی احساسی قرار می‌گیرد.^۳ «گرهارد» معتقد است مدت کار و فشار مضاعف، باعث فرسودگی جسم و

۱. اشتغال زنان در بستر خانواده و ارتباط آن با طلاق، مجله حورا، بهمن و اسفند ۸۴، ص ۲۲.

۲. جان برناردز، درآمدی بر مطالعات خانواده، ص ۲۹۱.

۳. جان‌گری، مردان مریخی و زنان ونوسی، ص ۱۵۷.

روان و پیری زنان شده و به‌مرور آنان را با مشکلات متعدد جسمی و روحی مواجه خواهد کرد.^۱

ب) پی‌آمدهای منفی اشتغال بر وظایف خانه‌داری

به عقیده «پاملا آبوت»، اشتغال تمام‌وقت زنان کنار انجام وظایف خانگی، بار مضاعفی بر دوش آن‌ها می‌گذارد؛ زیرا اعتقاد به این‌که خانه‌داری مسئولیت و وظیفه زنان است، پیروان بسیاری دارد.^۲

همچنین حضور کم‌رنگ و نداشتن فرصت کافی برای پخت‌وپز و استفاده بیش از حد غذاهای آماده و گاه ناسالم، مشکلاتی را در تغذیه و رشد جسمانی اعضای خانواده به وجود می‌آورد.^۳ در صورتی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «وظیفه زن در برابر شوهرش این است که چراغ خانه را روشن کرده و غذای نیکو و شایسته تهیه کند.»^۴

زنان شاغل برای مطرح‌شدن در محیط کار، بیش از حد توان‌شان فعالیت می‌کنند و بیش‌تر انرژی، خلاقیت، نشاط و آرامشی را که سهم خانواده است، در محیط کار صرف می‌کنند و دیگر توانی برای انجام وظایف خانه‌داری خود ندارند.

چنان‌چه با توجه به تفسیر آیه ۳۳ سوره احزاب، وظیفه اساسی زن، خانه‌داری و استقرار در سنگر خانه است.^۵

۱. لسنکی گرهارد، *جامعه‌شناسی انسانی*، ص ۴۶۵.

۲. پاملا آبوت، *جامعه‌شناسی زنان*، ص ۱۷۷.

۳. کاظم علی محمدی، *آسیب‌شناسی و اشتغال زنان از نگاه اسلام و روان‌شناسی*، (<http://tahzib-howzeh.com>).

۴. نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۲، ص ۵۵۱.

۵. «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ (جمال‌الدین قاسمی دمشقی، *محاسن التاویل*، ج ۱۳، ص ۳۴۹).»

همچنین پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خانه‌داری زن را به منزله جهاد در راه خدا می‌داند.^۱

ج) پی‌آمدهای منفی اشتغال در روابط همسری

براساس تعالیم اسلام، مهم‌ترین وظیفه زن پس از تکالیف دینی، در قبال همسر اعلام شده است.^۲ پیامبر در این باره می‌فرماید: «هر زنی بمیرد، در حالی که شوهرش از او راضی باشد، وارد بهشت می‌شود.»^۳ همچنین فرموده‌اند: «زن نمی‌تواند حق خدا را ادا کند؛ مگر این که حق شوهرش را ادا کند.»^۴ عدم توانایی در برقراری تعادل منطقی میان محیط کار و محیط خانوادگی، آسیب‌های جدی به روابط زن و شوهر وارد می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. عدم وابستگی اقتصادی و ایستادگی در مقابل اقتدار شوهر:^۵ چنین زنانی مدام در پی نفی شخصیت مردانه هستند که چنین نگرشی نه تنها آسیب‌های بسیاری بر روح و روان شوهر که بر خانواده وارد می‌کنند. «زنان با رفتارهایی مثل منت‌گذاشتن بر همسر، رفتار و گفتار تحقیرآمیز، حساب و کتاب جداگانه برای خود و... نقش مرد بودن را از او گرفته، غالباً به حاشیه‌نشینی وی می‌انجامد.»^۶

۱. «جهادُ الْمَرْئَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ (فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۳).»

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

۳. فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۲، ص ۷۰.

۴. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۵۲.

۵. چنین تغییرهایی در روابط زن و مرد، به تغییر ساختار عمودی نظام خانواده به ساختار افقی منجر می‌شود و فرزندان، چنین تعامل‌هایی را می‌آموزند و در نتیجه، فرهنگ جدیدی در خانواده‌های نسل آینده ایجاد می‌گردد که با آموزه‌های دینی که نان‌آوری و ریاست مرد را در خانواده مدل مطلوب ترسیم کرده، فاصله می‌گیرند (سیده فاطمه محبی، اشتغال زنان، فرصت‌ها و تهدیدها، ص ۱۶).

۶. سیده فاطمه محبی، اشتغال زنان، فرصت‌ها و تهدیدها، ص ۱۶.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد استقلال اقتصادی زنان باعث افزایش طلاق شده است.^۱

«چرستون» می‌گوید: «من به فکر آن نیستم که زنان قبلاً مورد رفتار ناشایست و حتی در معرض شکنجه قرار می‌گرفتند؛ ولی به عقیده من، وضع آن‌ها هیچ‌گاه به اندازه امروز که فرمان‌روای خانه و نیز رقیب ادرای مردان‌اند رقت‌بار نبوده است!»^۲

۲. بروز مشکلات در روابط زناشویی: خستگی زنان شاغل از کار بیرون منزل، کم‌تحرکی جنسی را در پی دارد و ممانعت از برقراری رابطه، غیرفعال بودن در روابط زناشویی، شروع درگیری، مشاجره و بهانه‌گیری‌ها را به دنبال دارد. کالبدشکافی بعضی از طلاق‌ها نشان می‌دهد، ریشه دل‌زدگی زوجین از یک‌دیگر در دافعه‌های روانی - جنسی است.^۳

در صورتی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: «حق مرد بر زن این است که در هر حال در امر زناشویی او را ممانعت نکند.»^۴

۳. رفتار آمرانه و برخورد مردانه با شوهر: زنان شاغل در محاوره‌ها و رفت و آمدها، چون با اشخاص و افراد مختلفی سروکار دارند، نوع برخوردهای شان مردانه و آمرانه است. ظرافت و لطافت در گفتار و رفتار این زنان، کم‌رنگ می‌شود و اثر مستقیم بر روابط میان زن و شوهر دارد.^۵

۴. عدم آرامش بخشی به همسر: از نظر اسلام یکی از مهم‌ترین وظایف زن،

۱. حسین بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۲۴۱ - ۲۴۰.

۲. باقر ساروخانی، جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۷۲.

۳. کیهان، ش ۱۸۳۲۴، ص ۵.

۴. مهدی نراقی، مکارم اخلاق فی حق الزوج علی المرثه، ص ۲۱۴.

۵. آندره میشل، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ص ۷۲ - ۷۳.

ایجاد محیط آرام در فضای خانه و نقش آرامش‌دهندگی او برای شوهر است. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۱ و از نشانه‌های او این‌که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا کنار آنان آرامش یابید و میان‌تان مودت و رحمت قرار داد...» بنا بر روایت از پیامبر ﷺ، زن وظیفه دارد اخلاق نیکویی با همسر داشته باشد. تندخویی نکند و عصبان نورزد. هنگام ورود شوهر به خانه از او استقبال نماید، او را در صورت خستگی راحت گذارد و وسایل آسایشش را مهیا کند.^۲

آرامش و سکونی را که زن به مرد می‌بخشد، با هیچ شیوه و ابزاری نمی‌توان پدید آورد.^۳ به گفته «ویل دورانت»، زن از آن‌جا که مرد خیالی سرگردان را به مرد فداکار و پای‌بند خانه و کودکان بدل می‌سازد، عامل حفظ و بقای نوع است؛^۴ ولی سنگینی وظیفه و مسئولیت، سبب می‌شود که به همسر خود نرسند، به کارهای او با بی‌اعتنایی بنگرد، نگاه‌ها دل‌سردکننده و برخوردها یأس‌آور باشد و این خود موجب افسردگی و اختلاف‌ها می‌گردد.^۵

زن شاغل چنان در استرس، تنش و درگیری شغلی غرق شده است که خود نیاز به مأمّن آرامش‌بخشی دارد تا این‌که بخواهد با رفتارهایش موجب آرامش همسرش شود.

۱. روم، آیه ۲۱.

۲. حضرت محمد ﷺ فرمود: «حق مرد بر زن این است که چراغ خانه را روشن کند، غذا را آماده کند، هنگام ورود تا در خانه استقبالش کند، خوش‌آمد بگوید و بدون عذر، خود را از او دریغ ننماید.» نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۴.

۳. محمد حکیمی، دفاع از حقوق زن، ص ۶۳.

۴. ویل دورانت، لئدات فلسفه، ص ۱۴۹.

۵. فاطمه فرهادیان، پی‌آمدهای منفی اشتغال زنان بر خانواده، ص ۴۱.

۵. انزوای نقش شوهر که پدر خانواده است: کسب درآمد زن، اگر با عدم تفاهم زناشویی همراه باشد، باعث کم‌اهمیتی و کم‌رنگی تلاش‌های پدر در زندگی می‌شود. فرزندان چون حالا می‌توانند بخشی از نیازهای مالی خود را از طریق مادر برطرف کنند، ممکن است نقش پدر را در منزل نادیده گرفته و خود را از کمک‌ها و راهنمایی‌های وی بی‌نیاز بدانند و به مرور پدر در انزوا قرار گیرد.^۱

۶. کاهش ارتباطات کلامی: برخی از زنان در محیط کار، به اندازه موردنیاز با همکاران خود گفت‌وگو می‌کنند و نیازهای کلامی خویش را برطرف می‌کنند. این زنان در خانه، نیازی به برقراری ارتباط کلامی با شوهر خود ندارند و چنین مسائلی، به مخاطراتی در روابط خانوادگی می‌انجامد و حتی در برخی موارد، این اختلافات به طلاق منجر می‌شود. «لنسی گرهارد» عقیده دارد که مشارکت شتاب‌آلود زنان در صنعت، باعث گسترش طلاق و افزایش جرائم شده است.^۲ در واقع اشتغال زنان، به معنای کلی خود باعث مشکل نمی‌شود؛ بلکه مسائل پیرامون آن، زمینه را برای ایجاد اختلاف و ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها، فراهم می‌کند.

۵) پی‌آمدهای منفی در انجام وظایف مادری

رسالت مادری، زیباترین و باشکوه‌ترین هنرنمایی زن است. زنان باید به این مسئله برسند که نقش مادری اصولی‌ترین و برازنده‌ترین نقشی است که در زندگی دارند و تکامل و رشد مادی و معنوی و حتی سلامتی جسمی آنان، در پرتو ایفای این نقش است.^۳ نقش مادران در سعادت و شقاوت فرزندان، بسیار مهم است که دوران‌های مختلف زندگی آنان را دربرمی‌گیرد:

۱. همان، ص ۶۶.

۲. لنسی گرهارد، جامعه‌شناسی انسانی، ص ۴۶۵.

۳. اشتغال زنان در بستر خانواده و ارتباط آن با طلاق، مجله حورا، بهمن و اسفند ۸۴، ص ۲۰.

الف) دوران بارداری و کودکی

۱. عدم رعایت آرامش در دوران بارداری

در دوران بارداری تمام روحیات، رفتار و افکار مادر بر جنین تأثیر دارد. امام علی علیه السلام می فرماید: «چنان نباش که به خاطر تو، خویشاوندانت بدبخت‌ترین و شقی‌ترین مردم باشند.»^۱

مادر باید در دوران بارداری سرشار از آرامش و نشاط باشد؛ ولی استرس‌ها و تنش‌های فکری محیط کار، مانع از آرامش شده و تمام دغدغه‌های فکری به فرزند منتقل می‌شود.

۲. کم‌توجهی به تغذیه نوزاد

دستورهای اسلام پیش از رسیدن به یافته‌های روان‌شناسانه، درباره تأثیر شیر مادر و فایده‌های آن سفارش‌های فراوانی دارد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «برای کودک، شیری بهتر از شیر مادر نیست.»^۲ و امیر مؤمنان علی علیه السلام با اشاره به نقش مؤثر شیر مادر در تربیت کودک می‌فرماید: «بنگرید که چه کسی فرزندان شما را شیر می‌دهد؛ زیرا کودک با شیر رشد می‌کند.»^۳

۳. دوری از فرزند

وجود مادر در خانه، به‌ویژه در یکی - دو سال آغاز زندگی، برای ایجاد دلبستگی میان مادر و کودک الزامی است. با این حال بسیاری از زنان، اندکی پس از تولد بچه روانه بازار کار می‌شوند.^۴ جدایی مادر و کودک، عامل بسیاری از مسائل و

۱. تمیمی آمدی، *غررالحکم و دررالكلم*، ص ۸۰۲.

۲. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۲۳، ص ۷۶.

۳. کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۴۰.

۴. مجله گنجینه، شماره ۵۴، ص ۴۹.

مشکلات بعدی برای فرزند خواهد شد.^۱ کودکان نیازمند ارتباط‌های کلامی و لمسی مادر هستند. گریه‌های نوزادان در برخی حالت‌ها، تنها به خاطر شیر نیست؛ بلکه نوازش و آغوش مادر در چنین لحظاتی، باعث اطمینان خاطر کودک از محیط خانه و خانواده می‌شود.^۲

مطابق نظر «اشپیتز»، جدایی‌های تا حدود هجده‌ماهگی، ممکن است کودک را تا مرز «افسردگی اتکایی» با نشانه‌های بی‌اشتهایی روانی و اختلال‌هایی در رفتار غذایی، توقف رشد و تأخیر در تحول روانی - حرکتی پیش ببرد.^۳ روان‌شناسان معتقدند که برای اطفال کوچک‌تر از پنج سال، هیچ‌چیز مهم‌تر و وحشت‌آورتر از این نیست که آن‌ها را از مادرشان جدا کنند؛^۴ در نتیجه حضور هر چه پیش‌تر مادر کنار کودکان در سال‌های آغازین، نقش مهمی در سلامت جسمی و رشد مناسب شخصیت و عواطف کودکان دارد. به همین دلیل در آموزه‌های اسلامی، مادر تا دو سال دربارهٔ پسر و تا هفت سال دربارهٔ دختر، بیش‌تر از پدر در حضانت اولویت دارد.^۵

۴. عدم مهرورزی مناسب به کودک

در آموزه‌های دینی، بسیار بر مهرورزی به کودک سفارش شده است. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِيَشَدَّ حُبَّهُ لَوْلَدِهِ؛^۶ همانا پروردگار بنده‌اش را به دلیل زیادی مهرورزی به کودک خود می‌بخشد.»

۱. علی محدث، کودک و روابط خانوادگی، ص ۱۱.

۲. مجله گنجینه، شماره ۵۴، صص ۹ - ۵۱.

۳. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مشکلات زنان، ص ۹۹۴.

۴. سیدجعفر شیخ‌الاسلام، پرورش کودک، ص ۵۴.

۵. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ب ۸۱.

۶. همان، ج ۲۱، ص ۴۷۵.

«پرینگل» معتقد است که اولین رابطه عاطفی کودک با مادر اهمیتی حیاتی دارد. کودک به برقرارکردن پیوندی پایدار نیاز دارد و اگر این پیوند به گونه‌ای برگشت‌ناپذیر قطع شود، یا هرگز به شکل رضایت‌بخشی برقرار نشود، از آن پس رشد جسمانی، ذهنی و اجتماعی کودک ممکن است به صورتی دائمی آسیب ببیند.^۱

ب) دوران نوجوانی و جوانی

دوره نوجوانی با توجه به بحران بلوغ و تغییراتی از قبیل بروز اخلاق خودپروی و حس استقلال‌طلبی، فرزندان فکر می‌کنند قدرت انجام هر کاری را دارند؛ به علاوه بحران‌های عاطفی در رابطه با جنس مخالف، وارد شدن به گروه‌های مختلف و... از جمله مسائلی هستند که می‌توانند مشکلاتی را برای نوجوانان فراهم کنند. این جاست که حضور و ارائه راهنمایی‌های به موقع مادر، می‌تواند از بروز بسیاری از این خطرها پیش‌گیری کند یا از شدت بحران‌ها بکاهد.^۲ در واقع کنترل و حضور فعال مادر در دوره نوجوانی، به شکل‌گیری شخصیت مناسب و عاری از آسیب و در دوره جوانی به تثبیت شخصیت فرزند منجر می‌شود. مادری که مدت بسیاری را در طول روز در خانه حضور ندارد و زمانی هم که حضور دارد ذهنش آن‌قدر درگیر مسائل کاری است که حضور فعالی ندارد، نمی‌تواند در مقابله با بحران‌های دوران نوجوانی و جوانی، با فرزند همراه شود و فرزند براساس عقاید و تصمیم‌های خود و بدون نظارت تربیتی، با آسیب‌پذیری بیش‌تری در تنهایی بزرگ خواهد شد.

۱. میاکلمز پرینگل، نیازهای کودکان، ص ۱۳۸.

۲. همان.

۶ آداب اشتغال

تا این‌جا ثابت شد که وظیفه‌ اولیه‌ مادر تربیت فرزند است. دلایل و شواهد متعدد بر این امر وجود دارد؛ از این رو در اسلام سفارش شده که زنان رسالت اصلی خود، یعنی تربیت فرزند و خانه‌داری را انجام دهند. البته در مرحله‌ دوم، می‌توانند شغل و مسئولیت‌هایی را هم انتخاب نمایند. اتفاقاً از جمع آیات و روایات نیز همین مطلب استفاده می‌شود؛ زیرا در برخی آیات، به استقلال اقتصادی و انتخاب مشاغل بانوان اشاره شده است. در برخی روایات هم آسیب‌ها و پی‌آمدهای اشتغال زنان بیان شده و معنایش این است که در صورت تعارض وظیفه‌ اولیه‌ مادر (تربیت) و رسالت دوم او، باید وظیفه‌ اول در اولویت قرار گیرد؛ اما در صورت عدم تعارض آسیب‌های جدی، زنان می‌توانند شغل انتخاب کنند.

در این‌جا باید به این مسئله اشاره شود که اشتغال دارای آداب ظاهری، پوششی، اخلاقی و... است و رعایت این آداب، آسیب‌های اجتماعی که بقای خانواده‌ها را تهدید می‌کند، به حداقل می‌رساند.

گاهی در محیط‌های کاری، زنانی با چهره‌های آرایش شده و غیرمتعارف هستند که موجب می‌شوند، تعدادی از مردان نیز نگاه‌های خود را کنترل نکرده و آسیب‌های اجتماعی شروع شود. طلاق عاطفی که هم‌اکنون بر خانواده‌های بسیاری سایه انداخته، حاصل رواج بدحجابی و حضور چنین زنانی در محیط‌های کاری و اجتماعی است. در این شرایط، مردان از همسر خود انتظار دارند که مشابه این افراد باشند. گاهی نیز در برخی شغل‌ها، مقام و منزلت زن را چنان پایین می‌آورند که هدف از انتخاب زن در آن، فقط جذب مشتری است.^۱

1. <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=>

«آنی رود (نویسنده انگلیسی)» می‌گوید: «کاش کشور من مانند کشورهای اسلامی بود که زنان با پوشش و عفت، آسوده‌ترین زندگی را دارند. این برای انگلستان یک ننگ است که دخترانش به خاطر آمیختگی با مردان در مشاغل اجتماعی به رذالت کشیده شوند. چه می‌شود ما را که سعی نمی‌کنیم وظایف و مسئولیت زنان مان، هماهنگ با فطرت و طبیعت آنان باشد؛ یعنی همان خانه‌داری و تربیت فرزند و کارهای مردانه را به مردان واگذار کنیم تا شرافت و ارزش زنان را به دست آوریم.»^۱

شایسته است زنان شاغل در محیط کار، حریم عفت و نجابت را رعایت کنند و در تعامل با نامحرمان از صحبت‌های غیرضروری، درد دل کردن و شوخی و مزاح خویش‌داری کنند و این نیاز، احساس، شور و هیجان خود را با همسر خویش رفع نمایند و در صورت امکان، از حضور در مشاغلی که محیط خلوت با نامحرم را فراهم می‌کند، دوری کنند و در همه حال - به ویژه محیط کار - در مقابل نامحرم رفتاری توأم با وقار، جدی و متکبرانه داشته باشند. همچنین در کیفیت، رنگ، اندازه و جنس پوشش خود حدود شرعی را رعایت کنند و از آرایش و صحبت با لحن مهیج خودداری ورزند. در قرآن (خطاب به زنان پیامبر) آمده است: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»^۲ به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند.»^۳

۱. مریم نورالدین فضل‌الله، *المرأة في كل الإسلام*، ص ۴۵ و خدیجه سفیری، *جامعه‌شناسی اشتغال زنان*، ص ۱۳۷.

۲. احزاب، آیه ۳۲. <http://tahzib-howzeh.com>.

۳. <http://tahzib-howzeh.com>.

بدین‌گونه اسلام اشتغال زنان را زمانی می‌پذیرد که آن‌ها در انجام وظایف همسراری و مادری، کوتاهی نوزند و همیشه رسیدگی به امور خانواده را در اولویت قرار دهند.